



# دُخترانه‌هایِ دَرِگوشه\*

مهارت افزایه دختران دانشجو

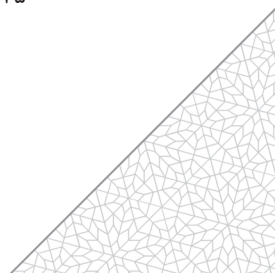
گروه نویسندگان شمسه



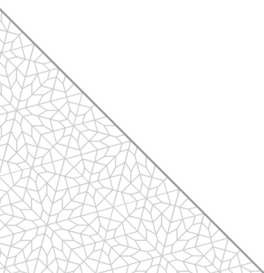
  
نشر قیسات

اول نوشت	۲۲
<b>فصل یکم: دود چراغ!</b>	<b>۲۷</b>
۱. قوانین غیردکوری	۲۹
خطر مشروطی	۲۹
تصمیم کبری	۳۰
نمایهٔ مسائل آموزشی	۳۱
حداقل زمان لازم برای مطالعهٔ دروس	۳۱
علت‌های افت تحصیلی	۳۱
مهارت‌های لازم برای مطالعه	۳۲
برنامه‌ریزی مناسب	۳۲
اطلاع‌یافتن از قوانین آموزشی	۳۲
تفاوت تحصیل در دبیرستان و دانشگاه	۳۳
منابع معرفی شده از طرف استاد	۳۳
اهمیت معدل ترم اول	۳۴
سردرگمی ستاره‌های دبیرستان در دانشگاه	۳۴
عواقب و معضلات مشروط‌شدن	۳۴
۲. مهارت برنامه‌ریزی	۳۵
شب‌جان‌کندن...	۳۵
نمره‌های پوشالی	۳۷
۳. مهارت جزوه‌برداری	۳۹
فوت کوزه‌گری	۳۹
جزوه‌های مسواکی	۴۰

۴. مهارت استفاده از امکانات جانبی دانشگاه	۴۲
ابوالمشاغل	۴۲
جَوَزَدگی	۴۴
چشم‌ها را باید شست ، بُردها را باید خواند	۴۶
تجربه ماندگار	۴۷
نمایه امکانات دانشگاه و شهر محل تحصیل	۴۹
نوع امکانات	۴۹
نکات مهم در استفاده از امکانات	۴۹
۵. مدیریت زمان	۵۱
لطفاً خسیس باشید	۵۱
همه به سراغش آمدند	۵۳
شکار لحظه‌ها	۵۴
دل‌م‌جای دیگرست	۵۶
مثل موربانه	۵۷
یک نع محکم	۵۹
نمایه مدیریت زمان	۶۱
مهارت‌های لازم در مدیریت زمان	۶۱
راهکارها	۶۱
فواید	۶۲
۶. تعامل با اساتید	۶۳
نمونه اخلاق	۶۳
چاه‌های نفت دانشگاه	۶۵
سربه زیرتر	۶۷
پیچ‌پیچ‌های دانشجویی	۶۸
سؤال‌های پرحاشیه	۷۰
مُچش را گرفت	۷۱
شکست شیرین!	۷۳
خودشیرینی‌های دخترانه	۷۴
نمایه مهارت‌ها و اطلاعات لازم در تعامل با اساتید	۷۵



تعامل براساس احترام متقابل	۷۵
ارتباط علمی ، مؤثر و کارآمد	۷۵
تواضع در برابر استاد و تکریم ایشان	۷۵
شناخت توانمندی‌های استاد توسط دانشجو برای استفاده از آن در مواقع لزوم	۷۶
شناخت تفاوت‌های ارتباطی بین اساتید در دانشگاه‌ها و معلمان در مدارس	۷۶
پیگیری و اهتمام لازم دانشجو در تعامل با اساتید	۷۶
<b>۷. تعامل با بخش اداری</b>	۷۷
دانشجویی یا طلبکار؟!	۷۷
گُل دقیقه‌نودی به گُل نشست	۷۸
<b>نمایه تعامل با بخش اداری</b>	۷۹
برخورد محترمانه	۷۹
اطلاع از قوانین و مراحل اداری	۷۹
صبوری	۷۹
پیگیربودن در امور اداری	۷۹
زود قضاوت نکردن	۸۰
اعتمادبه نفس داشتن	۸۰
<b>فصل دوم: خشت خام و آینه!</b>	<b>۸۱</b>
<b>۱. دوستی‌های دوران دانشجویی</b>	۸۳
برگی از شناسنامه	۸۳
اندکی صبر...	۸۵
دنیا روی سرش خراب شد	۸۶
دوست بامرام	۸۸
<b>نمایه مهارت‌ها و اطلاعات لازم درباره دوستی‌های دوران دانشجویی</b>	۸۹
انتخاب دوست	۸۹
ارتباط با دوست	۹۰
<b>۲. تجربه‌های خوابگاهی</b>	۹۱
ورود بقیه ممنوع!	۹۱
هزینه رودریاستی	۹۳
شهردار و مادرخرج	۹۵



زبان سرخ...	۹۷
يك وجب جا!	۹۸
هم اتاقی اش را بوسید	۹۹
دختر سیگاری!	۱۰۱
فرمول راهگشا	۱۰۴
انگشترم کجاست؟	۱۰۶
روزهای دور از خانه	۱۰۸
عکس‌های خصوصی	۱۱۱
سراشپز	۱۱۲
سرش حسابی شلوغ بود	۱۱۳
بازی online، نمرهٔ offline	۱۱۴
نمایهٔ مهارت‌های لازم در زندگی خوابگاهی	۱۱۵
مهارت‌های رفتاری	۱۱۵
مهارت تعامل با هم‌اتاقی	۱۱۵
مدیریت زمان	۱۱۶
مشخص نمودن حریم خصوصی و عمومی	۱۱۶
مدیریت اقتصادی	۱۱۶
۳. تعامل با جنس مخالف	۱۱۸
دل پسرها مثل دریاست	۱۱۸
حرف مردم، مثل چاقو	۱۲۰
استاد شیطان!	۱۲۱
دستاویز!	۱۲۳
خدای بی‌سوتی	۱۲۴
خانهٔ عنکبوت	۱۲۶
صمیمیت‌های یهویی	۱۲۷
عشق یک‌طرفه	۱۲۹
سکوت معنادار...	۱۳۰
بله‌ای که نگفت	۱۳۲
نمایهٔ مهارت‌های لازم در ارتباط با جنس مخالف	۱۳۵
حیطهٔ ارتباطات شکل فرهنگی	۱۳۵



هم‌کلاسی آقا	۱۳۵
اساتید	۱۳۶
راهکار شکست عشقی	۱۳۶
۴. مهارت‌های ارتباط با خانواده در دوران دانشجویی	۱۳۷
جامانده	۱۳۷
اندازه‌نگه‌دار که اندازه نکوست	۱۳۹
رفیق بی‌کلک مادر!	۱۴۱
نه به این شوری شور و ...	۱۴۳
غروب‌های دانشگاه ...	۱۴۴
نمایهٔ مهارت‌ها و اطلاعات لازم در تعامل با خانواده	۱۴۵
۱. ارتباط مداوم با خانواده	۱۴۵
۲. ارتباط غنی با خانواده، همراه با حفظ استقلال	۱۴۵
۳. خانواده بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منبع شارژ عاطفی	۱۴۵
۴. مدیریت ارتباط با خانواده توسط خود دانشجو	۱۴۶
۵. دوری از خانواده به عنوان فرصت	۱۴۶
۶. آشنایی با تهدیدهای دوری از خانواده	۱۴۶

## فصل سوم: موی سفید و آسیاب!

۱۴۷

۱. مهارت‌های فردی - اجتماعی	۱۴۹
خواستگار سمج	۱۴۹
زندگی بی‌بن بست	۱۵۱
مَحرم اسرار	۱۵۲
من کجا و این کجا؟!	۱۵۳
نمرهٔ شما بیسته	۱۵۵
مترجم آژانس	۱۵۶
دریای دانشگاه	۱۵۸
دو روی یک سکه	۱۶۰
دختر پاستوریزه!	۱۶۲
مسئله این است ...	۱۶۴
چرتکه پایان سال	۱۶۵

کنفرانس‌های لهجه‌دار	۱۶۶
نمایهٔ مهارت‌های فردی - اجتماعی	۱۶۷
کارها و وظایفی که دانشجو باید بتواند انجام دهد (مهارت‌های زندگی شخصی)	۱۶۷
هرگز	۱۶۸
شرایط لازم برای حضور در کلاس	۱۶۹
مهارت‌های لازم برای ترم اولی‌ها	۱۶۹
انتظارات جامعه از دانشجو و ویژگی‌هایی لازم در محیط دانشگاه	۱۷۰
ابعاد زندگی دانشجویی	۱۷۱
آدرس موفقیت	۱۷۳
آدرس شکست	۱۷۳
ذکر جادویی	۱۷۳
<b>۲. مدیریت اقتصادی</b>	۱۷۴
موجودی کافی نیست!	۱۷۴
پاسخ شوکه‌کننده	۱۷۵
پز عالی، جیب خالی	۱۷۶
گره از آب!	۱۷۷
آفتابه لگن هفت دست!	۱۷۸
هدیه‌های زورکی!	۱۷۹
<b>نمایهٔ مدیریت اقتصادی</b>	۱۸۰
توجهات لازم در خرج کردن	۱۸۰
راه‌های کم خرج جایگزین	۱۸۱
کسب درآمد	۱۸۱
وام دانشجویی	۱۸۱

## فصل چهارم: به رنگ خدا

۱۸۳

۱. مهارت پایبندی به اعتقادات در همهٔ شرایط	۱۸۵
جوجه‌های آخر پاییز	۱۸۵
از ما نیست...	۱۸۷
آبگوش خوران با آمریکا	۱۸۸
۲. صداقت علمی	۱۸۹

copy...paste	۱۸۹
السابقون یا السارقون!؟	۱۹۰
ریسک وحشتناک	۱۹۲
نمره خودت چنده!؟	۱۹۴
۳. حق الناس و ما ادراك حق الناس	۱۹۵
کوله بارت را سبک کن	۱۹۵
آماده ازدواجم	۱۹۷
۴. خودسازی	۱۹۹
دیگر شرمنده نبود...	۱۹۹
دل آرام	۲۰۰
<b>فصل پنجم : دخترتون رو بردیم</b>	<b>۲۰۳</b>
روزهای بی تکرار	۲۰۵
همه می دانستند!	۲۰۶
خسته بود، خیلی خسته...	۲۰۷
فقط هم کلاسی خوبی بود	۲۰۹
خیالشان راحت بود	۲۱۰
مقایسه ممنوع	۲۱۱
هم رکاب عباس <small>رضی الله عنه</small>	۲۱۳
آخرنوشت	۲۱۵





## اول نوشت

کار از دخترانه‌ای دوره‌می شروع شد، دوره‌می دخترانه‌ی پسادانشجویی! یکی یکی از تجربه‌های دوران دانشجویی گفتیم، نوشتیم و برای هم خواندیم؛ خندیدیم، حسرت خوردیم، بغض کردیم و... تا شما فقط بخندید؛ بی بغض، بی حسرت و بی شکست....

این هم از بداقبالی ما دهه‌ی شصتی‌هاست. زمان ما که از این تجربه‌های هلو و ساندویچی خبری نبود. با این حال، برای شما «امیدوارانه» نوشتیم تا به جانتان بنشیند و به کارتان بیاید.

و اما درباره‌ی کتاب باید بگوییم:

نویسنده‌ها از خودتان هستند؛ یعنی مثل شما، همین دوران را با چادر یا مقعنه، پشت صندلی‌های دانشگاه طی کرده‌اند و کتاب، محصول هم‌افزایی فکری و قلمی همه‌ی آن‌هاست تا یک نگاه و یک سلیقه نباشد.

سعی کردیم همه‌ی منابع موجود را بخوانیم و با همه‌ی گپ‌وگفت کنیم. از مسئولان مختلف دانشگاه تا مشاور، استاد، مسئول آموزش و حراست و از همه مهم‌تر، از دانشجویان دانشگاه‌ها و شهرهای مختلف مصاحبه گرفتیم تا تجربه و مهارتی از

قلممان نیفتد؛ البته کاربی نقص فقط از آن خداست، ولی دلمان خوش است که در حد توان کوشیده‌ایم.

بعد جمع و جور کردن تجربه‌ها، درباره‌ی چگونه نوشتن خیلی چانه زدیم. دوست داشتیم جنبه‌ی واقعی داستان‌ها محفوظ بماند. برای همین دست آخر رسیدیم به قالب‌های روایی کوچک تا هم ذهن مبارکتان خسته نشود و هم مقبول طبع لطیفتان واقع شود.

در پایان هر موضوع، نمایه‌هایی تهیه کردیم تا افزون بر جنبه‌ی باکلاسی کتاب (😊)، در هر موضوعی همه‌ی نکته‌های داستان‌های واقعی را شسته‌رفته و دسته‌بندی شده، یک‌جا خدمتان ارائه دهیم.

تعداد زیاد نویسندگان به دلیل تجربه‌محور بودن، ضروری می‌نمود؛ ولی آسیب چندقلمی در نگارش را در پی داشت؛ بنابراین تلاش کردیم تا با انتخاب سبک واحد نگارشی و ویراستاری هماهنگ، آن را برطرف سازیم.

و اما اسامی نویسندگان داستانک‌ها به ترتیب حروف الفبا:

مرضیه احمدی، زهرا امیری، فهیمه حسن‌پور، زینب جلوانی، آمنه صادقی، عاطفه صادقی، ملیحه طینه‌زاده، زهرا عسگری و مریم نصر.

خلاصه آنکه این کتاب، اگر برای شما مجموعه‌ای از داستانک است، برای ما خاطره و نتیجه‌ی عمر دانشجویی مان است. به قول معروف کتاب را ریهویی نخوانید، آن را مزه‌مزه کنید و با خاطرات و حرف‌های درگوشی و یواشکی‌اش زمان بخرید و جان بگیرید.

این کتاب حاصل حرف‌ها و خاطراتی است که از جانمان کاسته تا بر ذهن و قلممان جاری شود. با این «دخترانه‌های درگوشی» مهربان باشید که حاصل «آه» های زندگی دانشجویی ماست.

زندگی دانشجویی و غیردانشجویی تان بی‌آه!

فصل‌های کتاب از این قرار است:

### فصل مهارت‌های تحصیلی (دود چراغ)

این فصل شامل مهارت‌هایی می‌شود که به نوعی به درس و دانشگاه مربوط‌اند؛ مهارت‌های ناظر به مدیریت زمان، تجربه‌هایی که به قوانین آموزشی دانشگاه، نحوه برخورد با اساتید و کارمندان و فعالیت‌های جانبی در دانشگاه مربوط می‌شود، جزوه‌برداری و امکانات جانبی دانشگاه و... .

### فصل مهارت‌های ارتباطی (خشت خام و آینه)

این فصل بیشتر به مهارت‌های ارتباطی در دانشگاه می‌پردازد؛ مهارت‌ها و تجربه‌های زندگی خوابگاهی، تعامل بهتر و کم‌تنش‌تر با خانواده در دوران دانشجویی، برخورد با جنس مخالف و مهارت‌های ارتباطی با رفقا و... .

### فصل مهارت‌های فردی اجتماعی (موی سفید و آسیاب)

از مهارت‌های فردی و اجتماعی گرفته تا مدیریت اقتصادی در دوران دانشجویی و خلاصه هر تجربه‌ای که احساس کردیم در زندگی دانشجویی به دردتان می‌خورد.

## فصل مهارت‌های اخلاقی (به رنگ خدا)

در این فصل سعی کردیم از مهارت پایندی به اعتقادات در همه شرایط بگوییم؛ صداقت علمی، حق الناس و ... تا اینکه حواسمان باشد و دانشگاه نردبانمان شود نه پرتگاهمان.

## فصل ازدواج! (دخترتون رو بردیم)

در فصل آخر هم از تجربه‌های مرتبط با ازدواج در زندگی دانشجویی گفتیم، تجربه‌هایی که به کار زندگی آینده‌تان بیاید. و آخروشت که حرف اصلی کتاب است.

طی نگارش کتاب اتفاق‌هایی برای نویسندگان افتاد، اتفاق‌هایی از جنس زندگی؛ مثل به دنیا آمدن نی نی یا اسباب‌کشی از شهری به شهر دیگری یا قبولی در مقاطع عالی‌تر تحصیل. میان این اتفاق‌ها ولی حال و جنس یکی با بقیه فرق داشت، اگرچه خود اتفاق، خیلی خوب، بلکه عالی بود؛ ولی ... طی نگارش کتاب، خانم ملیحه طینه زاده پیام داد:

**شوهرم شهید شد.**

پیامی که سه کلمه بود؛ ولی دنیا را روی سرما خراب کرد و تازه فهمیدیم «شهید مدافع حرم» یعنی چه؟! زندگی خیلی جدی است، آن قدر جدی که نشانت می‌دهد چطور دوست جوان و همیشه خندان، يك آن پیر می‌شود.

نمک‌شناسی است اگر نگوییم آرامش و امنیتی که باعث می‌شود ما از دانشگاه و تجربه‌هایمان بنویسیم و اصلاً به آن‌ها فکر کنیم، مدیون صبر ملیحه‌هاست. با این همه، به لطف خدا با هم بودیم و کتاب تمام شد. تمام شدن این کتاب برای بانوان جوان گروه شمس، اتفاق خوبی است؛ هم به دلیل باهم بودنمان و هم به دلیل باشما بودن.

امیدواریم کتاب را فقط نخوانید، بلکه آن را «تجربه» کنید تا خاطرات شیرینش، «فرش قرمز»ی شود برای اتفاق‌های خوب زندگی‌تان و تجربه‌های تلخش «خط قرمز»ی که هرگز برای شما اتفاق نیفتد.

سرپرست نویسندگان: عاطفه صادقی

